

# حوزه‌ای سرشار از سوء تفاهم

نگاهی به چالش‌های پیش‌روی افراد دارای معلولیت جسمی-حرکتی در حوزه روابط عاطفی و زیست جنسی در ۴ برش



ترکس عزیزی | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

## پرونده

شاید اگر بدانید در ایران دست کم ۴۵۰ هزار معلول جسمی، حرکتی داریم، متوجه اهمیت پرداختن به مسائل و دغدغه‌های افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی شوید. برخی چالش‌های این گروه از افراد برای بسیاری از ما قابل مشاهده است، مانند مشکل رفت و آمد در شهر و جایه‌جایی‌های روزانه اما بسیاری از ما بخشی از چالش‌های آن‌ها نه تنها آشنایستیم که ممکن است اصلاً اطلاعی از وجود آن‌ها نداشته باشیم؛ مانند چالش‌هایی که آن‌ها درباره زیست جنسی و ازدواج‌شان دارند. به همین دلیل در این پرونده، سراغ مسائل و چالش‌های حوزه زیست جنسی معلولان رفته‌ایم. برای این منظور ابتدا اشاراتی داریم بر چند سوء تفاهم شایع در این زمینه. سپس برای داشتن تصویری صحیح از مشکلات حوزه جنسی این افراد، نگاهی به مشکلات احتمالی افراد دارای معلولیت در مراحل چهارگانه چرخه پاسخ جنسی انداخته‌ایم. معرفی یک مصاحبه‌جسورانه از دیگر بخش‌های این پرونده است.

مروری بر چند سوء تفاهم شایع درباره امکان ازدواج افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی

## فرد معلول را چه به ازدواج؟!

شاید توجه به حوزه زیست جنسی معلولان جسمی، حرکتی در شرایطی که مشکلات این گروه از افراد بسیار زیاد است، از دید برخی اولویت زیادی نداشته باشد. در واقع در شرایطی که موضوع هزینه‌های درمان، پروتز و فیزیوتراپی و... دغدغه روزمره بسیاری از افراد این گروه است، بحث روابط عاطفی و ازدواج شاید چندان به چشم نیاید اما واقعیت این است که مطالعات متعدد در این حوزه، چه در کشور ما و چه در دیگر کشورها نشان می‌دهد افراد دارای معلولیتی که ازدواج کرده‌اند، سلامت روانی بهتر و حضور فعالانه‌تری در سطح اجتماع دارند و حتی با ازدواج وضعیت جسمی آن‌ها نیز می‌تواند تا حدی بهبود یابد. اما با وجود تمام این فواید به نظر می‌رسد موانع بر سر راه این گروه از افراد بسیار زیاد و شامل لایه‌های متعددی است. یک دسته از این موانع، سوءبرداشت‌ها و باورهای است که درباره امکان ازدواج آن‌ها وجود دارد. در ادامه مرور کوتاهی بر چند مورد از این سوءبرداشت‌ها داریم.

### افراد معلول میل جنسی ندارند!

شاید این گزاره را بتوان شایع‌ترین سوء تفاهم این حوزه دانست. بسیاری از افراد

## نگاهی به مشکلات احتمالی افراد

## دارای معلولیت جسمی، حرکتی در

## چرخه پاسخ جنسی

وقتی صحبت از زندگی جنسی افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی می‌شود، بسیاری تعجب می‌کنند و ممکن است ابراز کنند که مگر این افراد میل جنسی دارند. شاید مهم‌ترین دلیل این برداشت نادرست درباره این گروه از معلولان، ناآشنایی بسیاری از افراد با چرخه پاسخ جنسی است. چرخه‌ای که نشان می‌دهد، تنها بخشی از ماجرا مربوط به اندام‌های جنسی است و بقیه داستان به واسطه هورمون‌ها و البته سیستم اعصاب مرکزی انجام می‌شود. طبق نظر متخصصان پاسخ جنسی در انسان از چرخه‌ای چهار مرحله‌ای تشکیل شده است که شاید توجه به هر یک شروع کننده هر کدام از این مراحل نتواند به مادر که به‌تربیتی از وضعیت معلولان جسمی، حرکتی بدهد، تنظیم‌بودن هورمون‌های جنسی در ایجاد میل جنسی نقش بسیار مهمی دارد اما جدای از بحث هورمون‌ها، آغاز برانگیختگی به واسطه حضور محرک تصویری، لمسی یا فکری و خیال و سپس پردازش این محرک‌ها در مغز اتفاق می‌افتد. با توجه به این دو نکته می‌توان حدس زد که اغلب معلولان جسمی، حرکتی در این مرحله مشکلی ندارند. آن‌ها نیز ممکن است مانند افراد دیگر برانگیختگی جنسی را تجربه کنند. البته در این مورد استثناء هم وجود دارد. به عنوان مثال، برخی از افرادی که بخشی از تشخیصی از مغزشان آسیب دیده است احتمال دارد چالش‌هایی در این مرحله داشته باشند.

### مرحله دوم به بعد و آغاز مشکلات

مشکلات معلولان جسمی، حرکتی بیشتر از مرحله دوم به بعد آغاز می‌شود یعنی از زمانی که برانگیختگی شدت می‌یابد و تغییرات فیزیولوژیک چون افزایش ضربان قلب، تنفس سریع و خون‌رسانی بیشتر به اندام‌های جنسی آغاز می‌شود. به عنوان مثال افرادی که دچار ضایعات نخاعی فرآگیر هستند ممکن است با وجود تحریک اولیه نتوانند به این مرحله وارد شوند. این روزها گزینه‌هایی چون مصرف برخی داروهای باروروش‌های دیگر برای کمک به این افراد در دسترس است. در این بین، بیشترین مشکل درباره پاسخ جنسی بین معلولان جسمی، حرکتی مربوط به مرحله سوم این چرخه است. البته این به آن معنا نیست که افراد دچار معلولیت، توان رسیدن به اوج لذت جنسی را ندارند. آن‌ها نیز امکان تجربه لذت جنسی را دارند اما برای رسیدن به آن، نیاز به آموزش‌های تخصصی و وسایل کمکی دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از معلولان جسمی، حرکتی بعد از دریافت کمک‌های ویژه می‌توانند به این مرحله برسند و البته هر مرحله چهارم را که فرونشینی است، نیز تجربه کنند.



### افراد معلول جذابیتی ندارند!

این سوء تفاهم نه فقط حوزه زیست جنسی که بهداشت روانی بسیاری از افراد دارای معلولیت را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. یادمان باشد قرار نیست همه ماسلیقه یکسانی در این حوزه داشته باشیم. تجربه نشان داده است افراد دارای معلولیت نیز به شرط فراهم شدن فرصت‌های کافی برای آشنایی با افراد دیگر، امکان ازدواج و برقراری رابطه عاطفی و جنسی با کیفیت برای طولانی مدت را دارند. در واقع در بسیاری از مواقع، نداشتن فرصت، مانع اصلی بر سر راه پیدا کردن همسر مناسب در این گروه از افراد است و نه نداشتن جذابیت.



در دلد های هومن، یک معلول جسمی، حرکتی در برنامه مستند «خرد جنسی»

## جسورانه در مقابل دور بین

است تا او فردی منزوی باشد. او با جسارت تمام به سوالات پاسخ می‌دهد و از مشکلاتی که در حوزه زیست جنسی اش داشته است و دارد صحبت می‌کند. از نبود آموزش در این زمینه در مدارس کودکان استثنائی، از فراهم نبودن فرصت برای افرادی امثال او برای ازدواج، از محدودیت خدمات مشاوره‌ای بهزیستی به معلولان و البته از تصور غلط افرایان درباره نیاز افراد معلول به رابطه عاطفی و ازدواج. هومن یکی از هزاران فرد معلولی است که در جامعه ما زندگی می‌کند. شاید مهم‌ترین تفاوت‌اش با دیگران جسارت اوست که باعث شده است تا خودش با برنامه خرد جنسی تماس بگیرد و درخواست حضور در این برنامه برای طرح مشکلاتش را داشته باشد. اگر دوست دارید با مشکلات افرادی چون هومن بیشتر آشنا شوید، پیشنهاد می‌کنیم حتماً قسمت ۲۱ این مجموعه را در سایت آپارات ببینید.

یک بررسی علمی درباره دغدغه‌های مردان مجرد دارای معلولیت با محوریت موضوع ازدواج

## کوهی از ترس در مقابل حمایتی اندک

شریک جنسی" و "ترس از خیانت همسر به واسطه این نارضایتی"، می‌تواند به ما نشان دهد که اعتماد به نفس افراد معلول در این حوزه چه قدر پایین بوده و البته ترس از درک نشدن از سوی همسر بین آن‌ها چه قدر شایع است. از طرفی موضوع شکست در فرزندآوری نیز از زیر عناوین دیگر این دسته است که به نظر می‌رسد آگاهی بخشی درباره آن، نیازمند برنامه‌های گسترده‌تری است.

### دغدغه یک مرد کامل نبودن

یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج شده از این مصاحبه‌ها، ترس از طرد شدن است. در بخشی از توضیحات این مضمون به این مسئله اشاره شده است که این مردان جوان به واسطه آن که توان انجام بخشی از وظایف سنتی مردانه را ندارند، احساس ناراحتی می‌کنند. از طرفی ترس از طلاق و به هم خوردن ازدواج نیز یکی از دغدغه‌های این گروه از افراد است. با توجه به نوع این مطالعه (مطالعه توصیفی و با نمونه محدود) شاید نتوان دغدغه‌های این گروه از مردان مجرد را به همه افراد تعمیم داد اما نتایج دیگر مطالعاتی که انجام شده است، تا حد زیادی تایید کننده این مطالعه است.

به عنوان مثال موضوع ناتوانی در انجام وظایف سنتی نسبت داده شده به هر جنسیت، در برخی دیگر از بررسی‌ها نیز به عنوان یکی از منابع ایجاد فشار روانی هم بر مردان و هم زنان دارای معلولیت شناخته شده است.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۸  
۱۸ محرم ۱۴۴۱ • ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۹  
شماره ۲۰۹۸

۱۴۲۱

## سلب‌ریتی‌هایی که عزت نفس

## کودکان را لگدمال می‌کنند

گفت‌وگویی با «اسماعیل آذری‌نژاد»، روحانی قصه‌گو درباره انتقاد توئیتری‌اش به شیوه کمک کردن سلب‌ریتی‌ها در سیستم و بلوچستان



الیه توانا | روزنامه‌نگار

«کمک کردن، آداب دارد؛ درست نیست که بچه‌ها را ردیف کنیم، بگویم شما کفش ندارید، من آمدم کمک‌تان کنم. از شان فیلم و عکس هم بگیریم. خود من هم اوایل این

کار را می‌کردم. بهم تذکر دادند، تجربه کردم، فهمیدم آسیب دارد و دست برداشتم. این کار، لگدمال کردن عزت مردم است. تبیل کردن مردم است». این‌ها را «اسماعیل آذری‌نژاد»، در ادامه و برای تکمیل توثیق بحث برانگیز می‌گوید. روحانی قصه‌گو که چندسالی است کارش شده دست قصه خواندن برای بچه‌ها در روستاهای محروم، چندروز پیش در حساب توئیترش نوشت: «در اینستاگرام برخی شاخ‌ها رفتند سیستم و بلوچستان. کودکان را به صف می‌کنند؛ لوازم التحریر، کیف و لباس می‌دهند. به خدا بچه‌ها را گدا می‌گفتند! بچه‌ها را گدا می‌کنید، توزیع فقر است...». طرفداران سلب‌ریتی‌های اینستاگرامی، به جوش و خروش افتادند که نیت‌شان خیر است و نباید ایراد بگیریم و بحث‌هایی هم در گرفت درباره این که اصل، رفع فقر و محرومیت است یا حفظ احترام و عزت آدم‌ها. آذری‌نژاد، طرفدار دیدگاه دوم است و طبق تجربه سال‌ها فعالیت در روستاها از عقیده‌اش دفاع می‌کند و به زندگی سلام می‌گوید: «به محض وارد شدن به روستا، کوچک و بزرگ می‌آیند دور ماشین و می‌پرسند چی داری؟ چی آوردی؟ با تعدادی از دوستان رفته بودیم روستای دور افتاده‌ای که می‌دانستم به لحاظ آموزشی ضعیف است. ایام امتحانات بود و یکی از دوستان معلم، همراه ما آمده بود تا با بچه‌ها درس کار کنند. یکی از بزرگان روستا، پرسید چی آوردی؟ گفتم آمدم قصه بخوانیم و با بچه‌ها درس کار کنیم. باندی گفت جمع کن بروا فلانی می‌آید لباس و کفش می‌آورد. تو آمدی قصه بخوانی؟ قصه به چه درد می‌خورد؟ از این قبیل رفتارها بسیار دیده‌ام. پارسل معلم‌های روستایی گفتند پول کتاب درسی بچه‌ها را بده. گفتم اگر اسمال بدبیم، سال آینده هم باید این کار را بکنیم. جواب دادند اتفاقاً چون سال قبل هزینه کتاب بچه‌ها را پرداخت کرده‌ایم، الان دیگر اولیا برای خرید کتاب پول نمی‌دهند. خب این روند اگر ادامه پیدا کند، پدر و مادرها به آموزش بچه‌های‌شان هیچ توجهی نمی‌کنند. حداقل کار این بود که افراد نیازمند شناسایی شوند. به علاوه باید از اولیا می‌خواستند و ۲۰۰ تومان برای کتاب درسی بچه‌شان هزینه کنند. بعضی‌ها عادت کرده‌اند به دریافت کمک. من منکر این نیستم که در کشورمان نیازمندانهایی داریم که از پس خرید کتاب و دفتر مدرسه بچه‌شان هم بر نمی‌آیند ولی شیوه توزیع، مهم است. کمک کردن، نباید عزت نفس طرف مقابل را تخریب کند. درست نیست که به همه مردم روستا، فقیر و دارا کمک کنیم. آسیب‌هایی برای بچه‌ها و پدر و مادرهای‌شان دارد. جرئت هم نداریم انتقاد کنیم. جواب می‌دهند کشور را خور دید و بردید. در این دو، سه‌روزه [بعد از توثیق بالا] کلی فحش بهم داده‌اند. منکر اهداف خیرخواهانه دوستان نیستیم. به مناطق دور دست می‌روند، زحمت می‌کشند اما به چه قیمتی؟ نشان دادن عکس بچه‌ها لگدمال کردن عزتش؟ برای رفع محرومیت، کارهای زیادی می‌شود کرد؛ افراد را توانمند کنی و شغل ایجاد کنی. اگر نمی‌توانی و مخاطبت کودک است، برای درآمدش کاری بکن. من برای بچه قصه می‌خوانم، به پرورش فکر و خلاقیت اش کمک می‌کنم که فردا، بفهمد وضع موجود روستایش خوب نیست و برای تغییرش کاری بکند؛ آن‌هم نه به شیوه سنتی پدرانش که به روش خلاقانه خودش. بچه در روستای محروم و حاشیه شهر در دل آسیب‌های اجتماعی فراوانی زندگی می‌کند. اگر می‌توانم باید مهارت اجتماعی بهش یاد بدهم، اگر نمی‌توانم کفش و کیف می‌دهم اما به چه شیوه‌ای؟ بچه با کفش پاره می‌تواند مدرسه برود اما اگر عزتش لگدمال شود، دانش آموز موفق و رشاد یافته‌ای نمی‌شود. کمک‌ها را می‌شود به مدیر و معلم مدرسه سپرد تا در قالب هدیه به بچه‌ها بدهند و بچه، در برابر تلاش‌اش آن را دریافت کند».